

سرمایه اجتماعی و عنایت الهی

محمدعلی عبدالهی*

دانشیار، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۸)

چکیده

انسان در دوره معاصر اهمیت مفاهیم اجتماع و جماعت را هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی درک کرده است. اجتماع انسانی نه تنها سرمایه‌ای برای رفع نیازها بوده، بلکه محور عنایت الهی است. این مسئله به‌طور مکرر در روایات بیان شده است. چه رازی در جماعت است که منشأ عنایت الهی است؟ نخست، مفهوم جامعه با مفهوم اجتماع متفاوت است؛ دوم، اجتماع انسانی دست‌کم بر پایه دو امر بسیار مهم مورد توجه خداوند است: الف) اجتماع نقطه اعتدال برای دوری انسان از افراط و تفریط در عمل و نظر است؛ ب) اجتماع جلوه وحدت است. وحدت سرمایه مهمی برای غلبه بر دشواری‌ها است. این سخن به این معنا نیست که جماعت و اجتماع هرگز خطا نمی‌کند و همراهی جماعت به هر نحوی انسان را به سعادت می‌رساند. جامعه‌ای به خطا نمی‌رود که مشمول عنایت الهی باشد و عنایت الهی مشروط است، نه مطلق. اجتماع فقط در صورتی که بر پایه تعالیم الهی شکل گیرد می‌تواند کاربردهای بسیار مهم خود را داشته باشد. مفهوم سرمایه اجتماعی ناظر به مرحله تعالی یافته اجتماع است؛ یعنی مرحله‌ای که انسان‌ها اجتماع را انتخاب کرده‌اند و آن را وطن اصلی خود تلقی می‌کنند، به همین دلیل هم جلوه‌های برادری، محبت و همزیستی در اجتماع جلوه می‌کند و منشأ عادت و خوشبختی انسان می‌شود.

کلیدواژگان

افراط و تفریط عملی، تفرقه، سرمایه اجتماعی، عنایت الهی، وحدت.

* رایانامه نویسنده: abdollahi@ut.ac.ir

مقدمه

بشر در نتیجه تجربه و به کارگیری خرد خویش به درستی دریافته است که فقط با تشکیل جامعه می تواند توانمندی و دارایی های خود را تجمیع، و نیازهایش را برآورده کند. همین نکته نیز باعث شده است انسان به ویژه در دوره معاصر بیش از هر زمان دیگری بیشتر به جمع و جماعت اهمیت دهد و آن را سرمایه تلقی کند. انسان بر پایه همین سرمایه توانسته است نهادهای بسیار پیچیده ای را برای رفع نیازهای خود بنا کند. اینکه سرمایه اجتماعی چیست؟ و چگونه باید آن را مدیریت کرد و سامان داد و به صورت دقیق و درست به کار گرفت؟ هدف اصلی ما در این مقاله نیست، بلکه در اینجا می خواهیم مسئله مهم تری را مطرح کنیم و آن اینکه از منظر دینی نیز مسئله سرمایه اجتماعی بسیار مهم است، به طوری که یکی از تعالیم دین اسلام و بزرگان آن این است که عنایت الهی نیز بیشتر به جمع و جامعه معطوف است و افراد باید برای سعادت خود راه اجتماع و همراهی با آن را برگزینند. سعی خواهیم کرد در این مقاله نشان دهیم که چرا و چگونه دست خدا براساس تعالیم دینی با جمع است؟ و این سرمایه جمعی چرا و چگونه منشأ جلب عنایت الهی است؟

تحلیل مفهومی سرمایه اجتماعی

پیش از پاسخ به پرسش های یادشده، باید مقصود خود را از مفهوم «سرمایه اجتماعی» و توضیح بخشیم. مفهوم سرمایه اجتماعی به معنایی که امروز به کار می رود، مفهومی جدید است، هرچند در مطالعات جامعه شناختی ریشه دارد. مفاهیم به مثابه ابزارهای تبیین و توصیف دانشمندان اهمیت بسیار دارند و البته ممکن است مدت ها طول بکشد تا واژه ای تعریف دقیق و درستی بیابد. سرمایه اجتماعی نیز در معنای جدید خود هنوز تعریف جامع و مانعی نیافته است (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۰). با این حال، سعی می کنیم مقصود خود را با تمایز میان دو مفهوم جامعه و اجتماع و توضیح بخشیم.

تفاوت مفهوم جامعه و اجتماع

مفهوم سرمایه اجتماعی ناظر به مرحله‌ی تعالی یافته جامعه‌ی انسانی است؛ مرحله‌ای که در آن انسان‌ها نه بر پایه‌ی اغراض شخصی و نه به استخدام درآوردن هر یک دیگری را بلکه بر پایه‌ی برادری، تعاون، عشق و احترام به ارزش‌های انسانی گرد هم می‌آیند. با توجه به این تعریف می‌توان به‌آسانی تفاوت مفهوم جامعه و مفهوم اجتماع را تبیین کرد. جامعه مفهومی است ناظر به زیست‌جمعی انسان‌ها بر پایه‌ی اجبار و رفع نیازهای جمعی. به عبارت دیگر، مفهوم جامعه در موردی به کار می‌رود که افراد تشکیل‌دهنده جامعه آن را اختیار نکرده‌اند، بلکه به اجبار شرایط زیستی به آن تن داده‌اند. هرچند هنوز تعریف جامع و مانعی از مفهوم «جامعه» در علم جامعه‌شناسی در دست نیست. با این حال، می‌توان نکته‌ی مورد نظر را از بعضی تعریف‌های به نسبت قابل قبول به دست آورد. استاد مطهری در تعریف جامعه آورده است: «جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۳۳۱-۳۳۲).

انسان بر پایه‌ی تجربه‌ی تاریخی خود و با خرد جمعی دست به تشکیل جامعه می‌زند و برای آن قانون تدوین می‌کند تا بتواند نیروهای سرکش درونی را در جامعه کنترل کند. اما مفهوم اجتماع ناظر به مرحله‌ی درک متعالی انسان از خویش و داشته‌هایش است، مرحله‌ای که در آن انتخاب معنا می‌یابد. مفهوم اجتماع در کنه خود مفهوم اختیار و انتخاب انسانی را دارد. اکنون به وضوح می‌توان فهم کرد که اجتماع‌های بشری که بر پایه‌ی اختیار و انتخاب اعضای خود شکل می‌گیرند، چرا و چگونه تبدیل به سرمایه‌های بشری می‌شوند و در خدمت تعالی و توسعه‌ی ارزش‌های انسانی قرار می‌گیرند. جامعه در بحث کنونی ما وصف کلمه سرمایه قرار نمی‌گیرد، نگارنده تا کنون ندیده است کسی تعبیر «سرمایه جامعه‌ای» را به کار گیرد. راز مسئله در مفهوم اختیار و اجبار نهفته است. بنابراین، سرمایه اجتماعی صرفاً مفهومی جامعه‌شناختی نیست، بلکه دایره آن بسیار گسترده است در دانش‌های بسیاری از قبیل سیاست، اقتصاد، مدیریت، حتی الهیات تبدیل به مفهومی اصلی شده است. از تعالیم قرآن استفاده می‌شود که زندگی اجتماعی انسان‌ها امری فطری و مربوط به متن

خلقت انسان است، این نکته ناظر به همین مفهوم اجتماع است نه مفهوم جامعه. از آیه شریفه ۱۳ سوره حجرات استفاده می‌شود که انسان‌ها به صورت گروه‌های اجتماعی متفاوت آفریده شده‌اند تا بازشناسی آن‌ها امکان‌پذیر باشد.

«ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است» (حجرات: ۱۳).

نگارنده بر این باور است که این گونه آیات قرآن ناظر به مفهوم اجتماع است. آنچه در این مقاله درباره مفهوم جماعت و سنت عنایت الهی خواهیم گفت، ناظر به مفهوم اجتماع است نه جامعه. در منطق قرآنی اجتماع مانند ماشین نیست که محکوم قواعد و قوانین مکانیکی باشد، بلکه اجتماع هویت و حیاتی مستقل دارد و به همین دلیل نیز قواعد و قوانین خاصی متوجه و حاکم بر آن است. از همین منظر، نیز می‌توان بحث سنن الهی حاکم بر اجتماع را تحلیل کرد. یکی از سنت‌های الهی که فقط شامل اجتماع می‌شود، نه فرد، سنت عنایت الهی است که موضوع بحث ما در این مقاله است. بدین ترتیب ما سرمایه اجتماعی را مفهومی راجع به اختیار انسان‌ها می‌دانیم که بر پایه انگیزه‌های متعالی انسانی و به اختیار خود گرد آمده‌اند. حال پرسش اصلی مقاله را دوباره در نظر می‌آوریم و می‌پرسیم چه عنصر یا عناصری در اجتماع وجود دارد که منشأ جلب عنایت خداوند است؟

عنایت الهی و جماعت

در تعالیم اسلامی بیان شده است که دست خداوند یعنی عنایت و لطف الهی با جماعت است گویی این یک سنت الهی است که بعضی از الطاف خداوند صرفاً شامل حال جماعت انسان‌ها می‌شود و نه فرد انسان‌ها. پیش از تحلیل مسئله به متن زیر از نهج البلاغه توجه کنید.

امام علی در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه فرموده‌اند: «و به‌زودی دو دسته به خاطر من تباه شود: دوستی که کار را به افراط کشاند، و محبت او را به راه غیر حق براند، و آنکه در بغض اندازه نگاه ندارد، و بغضش او را به راهی که راست نیست درآرد. حال آن دسته درباره من نیکوست، که راه

میان را پدید و از افراط و تفریط دوری جوید. همراه آنان روید، و با اکثریت همدستان شوید، که دست خدا همراه جماعت است، و از تفرقه پرهیزید که موجب آفت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنانکه گوسفند چون از گله دور ماند نصیب گرگ بیابان است. آگاه باشید، هر که مردم را بدین شعار بخواند او را بکشید، هر چند زیر عمامه من باشد» (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵).

امام علی (ع) در این عبارت‌ها به مردم فرمان می‌دهد که با جمع باشید زیرا دست خدا همراه جماعت است. چه سر و حکمتی در همراهی جمع است که هم عنایت خداوند با آن است و هم نجات و سعادت در آن است؟. امام برای پرهیز از گرفتارشدن انسان در دو مسئله نابهنجار و دو آفت بسیار مهم دستور به همراهی جمع می‌دهد و همین دو امر مهم است منشأ لطف و عنایت الهی است.

سرمایه اجتماعی و پرهیز از افراط و تفریط

افراط و تفریط ممکن است در ساحت عمل و سبک زندگی انسان پدید آید یا در ساحت عقیده و نظر. هر دو نوع آن مذموم است. انسان هم در ساحت عقل نظری و هم در ساحت عقل عملی در معرض افراط و تفریط قرار دارد. افراط و تفریط می‌تواند هم فرد انسان را به گمراهی و نابودی بکشاند و هم جماعت و جامعه انسانی را. هم افراد بشر و هم جوامع بشری براساس تجربه خود این نکته را می‌دانند، اما مهم این است که بدانیم چگونه می‌توان از این معضل فردی و جمعی پرهیز کرد؟

راه حلی که امام علی (ع) برای دوری از افراط و تفریط در خطبه ۱۲۷ پیش روی بشر می‌نهد، همراه‌شدن با جماعت است. از سخن امام (ع) استفاده می‌شود که عنایت خداوند با جمع است. معنای این سخن آن است که جماعت و اجتماع مانند سرمایه‌ای معنوی در کف انسان برای دوری از افراط و تفریط در عمل است. حال این پرسش به ذهن می‌رسد که همراهی جماعت چگونه در قلمرو نظر و عمل از افراط و تفریط جلوگیری می‌کند؟ و چگونه و به چه معنا عنایت خداوند با جمع است؟

تجربه تاریخی بشر نشان می‌دهد اکثریت و جمع انسان‌های موجود در اجتماع، می‌تواند توازنی در عمل و عقیده افراد آن اجتماع پدید آورد. گویی جمع نقطه‌ای تعادل‌بخش است که به گفته امام علی (ع) انسان‌ها را از داوری نادرست و افراط بازمی‌دارد. برای نشان‌دادن مورد و مصداق می‌توان به روزگار خود امام علی (ع) نگاهی انداخت. یکی از مسائلی که امام (ع) در خطبه ۱۲۷ بر آن تأکید می‌فرماید، هلاکت و گمراهی گروه افراط و تفریط‌کننده است، این دو گروه به‌طور آشکار درباره شخص امام (ع) دچار افراط و تفریط شدند. گروهی امام (ع) را خدا می‌پنداشتند، اینان در عصر آن حضرت می‌زیستند و به مجازات سختی از سوی امام (ع) گرفتار شدند و گروه دیگری که کافر می‌دانستند که آن‌ها نیز به مجازات سختی گرفتار شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴)، اما بیشتر اجتماع بر راه اعتدال و میانه حرکت می‌کردند.

نمونه یادشده فقط یک نمونه تاریخی است از میان هزاران نمونه دیگر. افراط و تفریط در ساحت عقیده و باور درباره مهم‌ترین باور انسان یعنی باور به خدا، نیز رخ داده است گروهی درباره خداوند قائل به تجسیم شده، ظاهر انسانی برای او ترسیم کرده‌اند. گروهی دیگر باور خود به مبدأ را در قالب منویات و علاقه خود تصویر کرده، مجسمه‌هایی را نماد باور خود دانسته‌اند. در روزگار ما نیز افراط و تفریط در باور و عمل به صورت‌های جدید و متعددی نمود و بروز یافته و می‌یابد که در سبک زندگی افراد جلوه می‌کند، اما اگر افراد جامعه به باورها، مشی و سلوک اکثر اجتماع تن دهند، از افراط و تفریط به دور خواهند بود. افراط و تفریط در همه‌چیز مذموم و مایه گرفتاری و بدبختی است، نه تنها در مسائل اعتقادی که در مسائل متعارف زندگی نیز چنین است. سرچشمه افراط و تفریط معمولاً جهل، نادانی و تعصب است. انسان در جمع یاد می‌گیرد تعصب‌ها را کنار بگذارد و خود را با جمع به رغم همه تفاوت‌هایش وفق دهد. اجتماع بی‌شک سرمایه فکری است برای اینکه فرد دچار انحراف نشود. سر مسئله نیز در این نکته نهفته است که مفهوم سرمایه اجتماعی ناظر به مرحله تعالی یافته اجتماع است یعنی مرحله‌ای که انسان‌ها گرد هم آمده و آن را انتخاب کرده‌اند و فرد فرد انسان‌ها اجتماع را وطن اصلی خود تلقی می‌کنند. به همین دلیل هم جلوه‌های برادری، محبت، عشق و همزیستی در اجتماع جلوه می‌کند.

ممکن است پرسیده شود که چنین انگاره‌ای درباره اجتماع صرفاً امری آرمانی و دست‌نیافتنی از جامعه ترسیم می‌کند که با واقعیت فرسنگ‌ها فاصله دارد، پاسخ این است که جامعه دور از افراط و تفریط دست‌یافتنی و تحقق‌پذیر است. نکته اصلی این مقاله همین است که چنین جامعه‌ای فقط با عنایت الهی دست‌یافتنی است و عنایت الهی نیز در صورتی شامل اجتماع می‌شود که آن اجتماع بتواند نقطه توازن و تعادل بیابد. در منطق دین اسلام براساس تعالیم الهی فقط جامعه‌ای به چنین نقطه تعادل و توازن دست می‌یابد که دینی باشد. دین برنامه صحیح و مطلوب زندگی آدمی است که جمیع ابعاد و وجوه حیات فرد و جامعه را فرامی‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۴). این مسئله بسیار مهم است و ما آن را در ضمن بحث از افراط و تفریط جمعی تبیین خواهیم کرد.

افراط و تفریط جمعی و عنایت الهی

ابتدا، ممکن است مخاطب با خواندن تحلیل یادشده و دیدن این سخن که دست عنایت خداوند با جمع است، به این گمان خطا دچار شود که جمع و جماعت خطا نمی‌کند، به هر راهی که جمع برود باید به آن راه رفت. اما اگر به وضوح می‌دانیم و تجربه زیست اجتماعی بشر نیز نشان می‌دهد هیچ تضمینی وجود ندارد که درستی راهی را ضمانت کند که جمع بر آن راه می‌روند. درست است دست خداوند و عنایت خداوند با جمع است و جمع سرمایه انسانی است. اما همان‌طور که در کلمات قصار کلمه ۱۰۹ نهج‌البلاغه بیان شده است، جماعت در صورتی که یک نقطه اتکای خطاناپذیر داشته باشد اطمینان‌بخش است. ائمه هدی (ع) همواره خود را معتدل و دور از افراط و تفریط معرفی می‌کردند به‌طوری که تندروان باید به سوی آن‌ها بازگردند و کندروان باید خود را به آن‌ها برسانند. نَحْنُ التُّمَرَةُ الْوُسْطَى بِمَا يَلْحَقُ التَّالِي وَالْيَهَا يَرْجِعُ الْغَالِي (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۰۹). «ما تکیه‌گاه میان راهیم. آن که از پس آمد به ما رسد، و آن که پیش تاخته به ما بازگردد» (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۹).

این سخن را امام علی (ع) درباره رفتار کسانی که اهل افراط و تفریط‌اند، بیان کرده است. جامعه اسلامی که محورش تعالیم الهی است تکیه‌گاه و نقطه توازن آن رهبران جامعه هستند و این نکته نشان می‌دهد جامعه دینی در صورتی می‌تواند اجتماعش سرمایه باشد که جمع بر محور

اعتدال جمع شوند و از افراط و تفریط پرهیزند، در این صورت است که عنایت خداوند شامل حال جمع خواهد شد و جامعه به سمت رشد و هدایت حرکت خواهد کرد. شیخ محمد عبده در شرح این کلمه قصار امام علی (ع) نوشته است:

«واژه نمرقه با ضم حرف نون و سکون حرف میم به معنای بالشت است و اهل بیت به دلیل تکیه بر آنان در امور دین بیشترین شباهت را به بالشت (تکیه‌گاه) دارند، اگر بر بالشت به دلیل راحتی پشت و اعتماد و آرامش اعضا تکیه می‌شود و امام علی (ع) بالشت را به وسطی توصیف کرده است. زیرا بقیه بالشت‌ها به آن بالشت وسط تکیه می‌کنند پس گویا تمام بالشت‌ها به همان بالشت وسط یا بی‌واسطه با بواسطه بالشت‌های دیگر تکیه می‌کنند و آل‌البیت همان صراط اعتدال و وسط هستند که کسانی که کوتاهی کرده عقب مانده‌اند، باید به آن‌ها ملحق شوند و کسانی که غلو کرده پیش افتاده‌اند باید به آن‌ها برگردند (عبده، جزء ۳، ص ۲۷۵).

شیخ جواد مغنیه سخن محمد عبده را اعجاز تلقی کرده است (مغنیه، ۱۹۷۹، ج ۴، ص ۲۸۴). سخن مغنیه مبالغه و گزاف نیست شیخ محمد عبده به‌خوبی توانسته است از عهده شرح کلام امام برآید. اهل بیت (ع) گرانیگاه و نقطه اتکا جامعه‌اند، بدون این تکیه‌گاه جامعه به افراط و تفریط دچار خواهد شد. اکنون به فهم آن جمله گوه‌رگونه امام علی (ع) نزدیک می‌شویم که «دست خدا با جماعت است»، معلوم می‌شود عنایت الهی محدود و مشروط است در صورتی که جامعه دینی باشد و نقطه اتکا داشته باشد عنایت خداوند نیز با آن خواهد بود.

بنابراین، سخن امام علی (ع) نه دلالت می‌کند بر خطاناپذیری جمع و نه هم دلالت می‌کند بر اینکه عنایت خداوند به صورت مطلق و بی‌قیدوشرط شامل حال جمع می‌شود. عنایت الهی شامل جمع و جماعتی می‌شود که تحت مدیریت معصوم قرار گیرد.

آیت‌الله مکارم شیرازی در شرح و تفسیر کلمه قصار یادشده آورده است: «جداشدن از توده‌های جمعیت مسلمین، و به تعبیر دیگر انزوای اجتماعی، یکی از انحرافات فکری و اعتقادی و عقیدتی است، افراد منزوی به‌زودی گرفتار تخیلات خودبرتربینی می‌شوند و چنین می‌پندارند که موجودی برترند و مردم باید در برابر آن‌ها تعظیم کنند و چون چنین عکس‌العملی از مردم نمی‌بینند آتش

بدبینی و سوء ظن و کینه و عداوت در دل آن‌ها روشن می‌شود و به همین جهت گاهی به انتقام‌جویی و کشتن افراد بی‌گناه و صدمه‌زدن به سرمایه‌های اجتماعی رومی‌آورند و گاه ادعای نبوت، امامت یا نیابت از حضرت مهدی (ع) را مطرح می‌کنند و سرچشمه نفاق و اختلاف می‌شوند و از این جا به عمق کلام مولا امیرمؤمنان (ع) که در بالا فرمود: «افراد تک‌رو طعمه شیطانند همان گونه که گوسفند تک‌رو طعمه گرگ می‌شود» پی می‌بریم.

بدیهی است منظور از هماهنگی با جمعیت همان اکثریتی است که ایمان و ارزش‌های انسانی و اخلاقی داشته باشد. اسلام هرگز هماهنگی با اکثریت فاسد را توصیه نکرده و نمی‌کند. علی (ع) که گوینده سخن بالاست در سخن دیگری که خواهد آمد می‌فرماید: «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۱)؛ «هرگز در مسیر هدایت از کمی همراهان وحشت نکنید» (و به دنبال اکثریت فاسد گام برندارید) و نکوهش‌هایی که در آیات متعددی از قرآن از اکثریت شده منظور همین اکثریت فاسد و مفسد است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۳۳).

تا اینجا می‌توان بر پنج نکته تأکید کرد:

۱. راه گرفتارنیامدن فرد در دام افراط و تفریط تن‌دادن به معیارهای اجتماعی است. اجتماع نقطه اعتدال و توازن سبک زندگی فرد است.
۲. اجتماع نیز مانند فرد دچار افراط و تفریط می‌شود.
۳. رهبران جامعه باید نقطه اعتدال جامعه باشند، به‌طوری که افراطیان و تفریطیان با الگوگیری از آن‌ها جامعه خود را دچار هلاکت و گمراهی نکنند.
۴. فقط اجتماعی به تعادل و توازن و دوری از افراط و تفریط دست می‌یابد که دینی باشد. یعنی بتواند با پشتوانه معرفتی خطاناپذیر و مبتنی بر تعالیم الهی از افراط و تفریط دوری کند.
۵. عنایت خداوند شامل هر اجتماعی نمی‌شود، بلکه شامل جامعه معتدل می‌شود. بنابراین، اجتماع خود و صرفاً به دلیل اکثریت مصون از خطا نیست.

سرمایه اجتماعی و پرهیز از تفرقه

یکی از اصول اساسی دین اسلام وحدت است. در تعالیم دین اسلام بر وحدت و پرهیز از تفرقه بسیار تأکید شده است. فهم این مسئله چندان دشوار نیست؛ کافی است نگاهی به قرآن و روایات ببندازیم تا با انبوهی از آیات و روایات مواجه شویم که اتحاد و شکل‌گیری اجتماع مبتنی بر توحید را نعمت و عنایت الهی تلقی کرده است. در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید:

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید».

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه شریفه نوشته است:

«و خداوند تمام افراد جامعه اسلامی را به این وسیله به وحدت فرامی‌خواند، چون قوام اسلام بر یگانگی جامعه و روابط برادری ایمانی در بین آنان است (واذکرو انعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا): (و به یاد آورید نعمت خدا را بر خویش، زمانی که با یکدیگر دشمن بودید و او بین دل‌هایتان الفت برقرار کرد و در نتیجه نعمت خدا با یکدیگر برادر شدید)، روش قرآن این است که تعالیم خود را با ذکر علل و اسباب بیان می‌کند و مردم را به سوی خیر و هدایت دعوت می‌نماید، بدون اینکه آن‌ها را وادار به تقلید کورکورانه بسازد و خدا می‌داند که منبع حقایق توحید است و در عین حال، آن‌ها باید تسلیم خدا باشند و به حبیل‌الله چنگ بزنند و از نعمت برادری و همبستگی قلوب بهره‌مند گردند، چون خدا مالک و عالم مطلق است، لذا در اوامر او نباید چون و چرا نمود، زیرا او عالم به مصالح بندگان خویش است (و کنتم علی شفاعفاره من النار فانقذکم منها): (در حالی که شما بر لبه پرتگاه آتش بودید و او شما را از آن پرتگاه نجات داد)، مراد از «شفاعفاره» یعنی لبه پرتگاه و مراد از آتش اگر آتش آخرت باشد، معنا این می‌شود که شما کافر بودید و بین شما افتادن در آتش دوزخ بیش از یک قدم فاصله نبود و اگر مراد آتش جنگ باشد، یعنی شما با هم دشمن بوده و دائماً در حال جنگ و خونریزی بودید، اما خدا بین

شما الفت برقرار کرد و شما را از آتش اختلاف و دشمنی رهانید، چون اساس آن‌ها بر هواهای نفسانی و خودپرستی و مذلت بود و اینها انسان را به فنا، زوال، جنگ و سقوط می‌کشاند، اما خدا شما را به حقیقت امنیت رسانید که تمام مال و جاه و ناموس و جان مردم را دربرگرفت و آنگاه شیرینی نعمت و لذت سعادت را چشیدید (کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون)؛ (اینچنین خدا نشانه‌های خود را به شما می‌نمایاند تا شاید هدایت شوید)، و این آیات نوری هستند که قلب‌ها را نورانی می‌کنند تا در مسیر هدایت سریع‌تر گام بردارند» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۷۵).

از این آیه شریفه استفاده می‌شود وحدت مردم در شکل اجتماع نعمت و لطف خداوند است. در مقابل، تفرقه و اختلاف هدر دادن سرمایه اجتماعی، و به تعبیر قرآن، قرارگرفتن در لبه پرتگاه است. نتیجه تفرقه دشمنی، و نتیجه وحدت سرمایه‌ای اجتماعی است که می‌تواند نیرو و انرژی آزاد کند که در هیچ جای دیگری نمی‌توان آن را یافت. اهمیت اجتماع تا حدی است که در این آیه شریفه خداوند می‌فرماید: شما دشمن یکدیگر بودید وقتی متحد شدید و به ریسمان الهی جنگ زدید، خداوند به برکت این اتحاد و اجتماع شما را برادر یکدیگر قرار داد.

امام علی (ع) در همان خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه فرموده است: «فرد دورافتاده از جامعه و جامعه دچار تفرقه و اختلاف مانند گوسفندی است که از گله جدا افتاده است همواره در معرض گمراهی است، چنانکه آن گوسفند همواره در معرض دریده شدن توسط گرگ‌ها است. انسان جدا از جامعه در معرض خطرهای بسیار است». علامه جوادی آملی در شرح این کلام امام علی (ع) چنین بیان کرده است:

«قدرت و عنایت خدا با جماعت است؛ یعنی در صحنه باشید و در جمعه و جماعات و مراسم عمومی اسلامی شرکت کنید، نه آنکه فکر تکروی داشته باشید و گرفتار شیطان شوید، چنان که گوسفند تکرو گرفتار گرگ می‌شود. سپس، فرمود: آگاه باشید! کسی که مردم را به شذوذ و تکروی دعوت می‌کند و شعار تفرقه می‌دهد، او را بکشید، گرچه عمامه مرا بر سر داشته باشد، آنگاه جریان حکمیت را توضیح داد و از خیانت حکم‌ها پرده برداشت و احیای محتوای قرآن حکیم را چنین دانست: حیات قرآن در اجتماع و اتحاد در محور آن است و مرگ قرآن در تفرقه از

آن است. اگر امت اسلامی قرآن‌مدار شدند همانا قرآن را زنده نگه داشته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۰، ص ۴۷۹).

معنا و مضمون آیه شریفه اتحاد در روایات نیز بسیار آمده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الجماعه رحمة والفرقة عذاب» (نهج الفصاحه، ۱۳۲۴، کلمه قصار ۳). جماعت و وحدت مایه رحمت الهی و تفرقه باعث عذاب الهی است.

از تعالیم اسلامی استفاده می‌شود که وحدت به‌عنوان سرمایه اجتماعی یکی از نعمت‌های الهی است اما باید توجه کرد وحدت در بستر سرمایه اجتماعی به‌خودی‌خود ارزش و اهمیت ندارد، بلکه در صورتی که اجتماع حول محور الهی و حبل الهی باشد، ارزشمند است. بنابراین، اجتماع در صورتی به وحدت واقعی دست می‌یابد و از آثار وحدت بهره‌مند می‌شود که اجتماع دینی باشد. دین را نباید مانند سایر نهادهای اجتماعی و در عرض آن‌ها قرار داد. نهاد دین حاکم بر سایر نهادها است. مقصود اینکه نهادهایی مانند سیاست، اقتصاد، خانواده و مانند آن که انسان برای رفع نیازهای اجتماعی خود پدید آورده است همه در صورت و محتوا باید با نهاد دین منطبق شوند، در غیر این صورت نعمت و عنایت الهی شامل آن نخواهد شد. ممکن است پرسیده شود در مغرب‌زمین پس از دوره تجدید حیات علمی فرهنگی اروپا (رنسانس) نهادهای بشری از نهاد دین مجزا شده و بر پایه خرد جمعی شکل گرفته‌اند و به کار خود نیز ادامه می‌دهند و هیچ مشکلی نیز پدید نیامده است.

پاسخ این پرسش این است که اجتماع‌های سکولار که بر پایه خرد جمعی شکل گرفته‌اند، چون باورها و رفتارهایشان به تأیید دین نمی‌رسد، نمی‌توانند انسان را به سعادت برسانند. تأیید و امضای دین بر باورها و رفتارهای اجتماعی انسان موجب جلب عنایت الهی است. بنابراین وحدت اجتماعی در صورتی که حول محور تعالیم الهی باشد، نتایجی معجزه‌آسا بر آن بار می‌شود. به بعضی از این نتایج اشاره می‌کنیم:

۱. توجه خداوند و جلب عنایت و برکات الهی؛

۲. به‌کارگیری آگاهی و هدایت جمعی؛

۳. قدرت، عزت و آبرو؛

۴. نجات جامعه از جهنم کینه‌ها و دشمنی‌ها؛

۵. موفقیت و پیشرفت جامعه با به‌کارگیری انرژی جمع.

بنابراین مسئله وحدت اجتماعی به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی باید مدیریت شود، یعنی اگر مدیریت شود دارای سینرژی (برکت) و اگر مدیریت نشود دارای اینرسی (نکبت) است. این مسئله چنان مهم است که در ادب و فرهنگ ایرانیان نیز به آن توجه شده است تلاش و کوشش مورچگان در سایه مدیریت دقیق تبدیل به ضرب‌المثل شده است. سعدی چه زیبا و دلنشین گفته است:

مورچگان را چو بود اتحاد شیر ژیان را بدراند پوست

نتایج تفرقه و اختلاف

در تعالیم دین اسلام بر وحدت و پرهیز از تفرقه توأم با بیان ریشه‌های تفرقه و نتایج زیانبار آن تأکید شده است. مهم‌ترین عامل اختلاف و تفرقه در اجتماع بشری همان روحیه منفعت‌طلبی و به‌خدمت‌گرفتن دیگران است. این مسئله هر چند بر خلاف نظر بعضی از دانشمندان مسلمان (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱۷) فطری انسان نیست، می‌تواند عامل نزاع و تفرقه شود. تشکیل اجتماع بر محور دین و تعالیم الهی و تن‌دادن به اجتماع باعث می‌شود انسان بتواند روحیه استخدا‌مگری خود را به همزیستی تبدیل کند. خداوند پیامبران را فرستاده است تا از نزاع میان انسان‌ها در اجتماع جلوگیری کند.

پیامبران از مردم می‌خواهند از تفرقه و اختلاف به‌دلیل آثار زیانبارش پرهیز کنند. آنان این آثار زیان‌بخش را در گفتار خود به مردم گوشزد کرده‌اند. فهرست بعضی از این آثار براساس آیات قرآن کریم به شرح زیر است:

۱. تسلط ستمگران بر مؤمنان با ایجاد تفرقه؛

۲. جنگ و خون‌ریزی میان مؤمنان؛

۳. ضعف و ناتوانی و ازبین‌رفتن توان و قدرت جامعه مؤمنان؛

۴. فروریختن هیبت و هیمنه جامعه مؤمنان.

پیامبران پس از یادآوری نتایج تفرقه راه‌حل را در وحدت به‌عنوان سرمایه اجتماعی می‌دانند. اما این وحدت باید با مرجعیت چه عنصری و حول چه محوری صورت پذیرد؟ خداوند در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران محور وحدت را حبل الله قرار داده است. «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید» (آل عمران: ۱۰۳). در این آیه شریفه محور وحدت ریسمان الهی دانسته شده است. مقصود از ریسمان الهی چیست؟ در روایات برای ریسمان الهی دو مصداق معین شده است، یکی قرآن کریم و دیگری اهل بیت. به چند نمونه از این روایات اشاره می‌کنم:

۱. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «این قرآن، ریسمان خدا و نور روشنگر و درمانی سودبخش است» (شریف الرضی، ۱۴۲۲، ص ۲۱۱).

۲. امام علی (ع) فرمود: «خداوند، هیچ کس را به چیزی مانند این قرآن، پند نداده است؛ زیرا قرآن، ریسمان محکم الهی و دستاویز مطمئن او است» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۴).

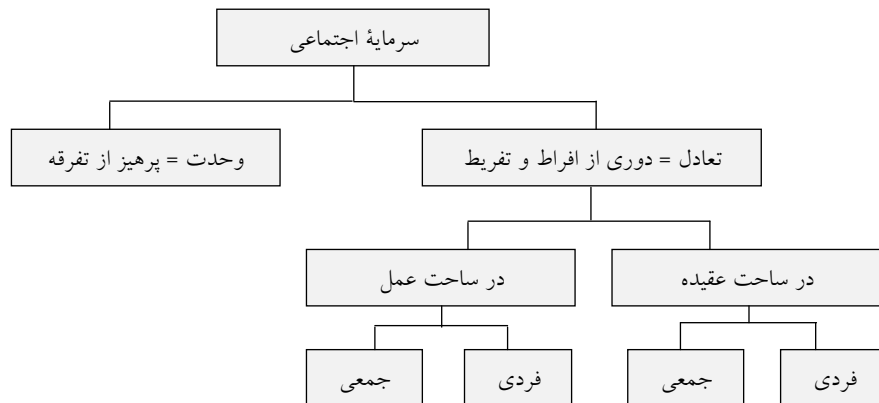
۳. عبدالله بن عباس می‌گوید: «نزد پیامبر بودیم که فردی اعرابی وارد شد و گفت: شنیدم که فرموده‌اید: «اعتصموا بحبل الله»؛ منظورتان از ریسمان خدا چیست؟! پیامبر (ص) دستشان را به دست امام علی (ع) زده فرمود: «به این مرد ببیونددید که او ریسمان محکم است» (بحرانی، ۱۴۱۶، ص ۶۷۲).

۴. امام باقر (ع) می‌فرمایند: «خداوند متعال می‌دانست که امت پیامبر (ص) بعد از رحلت حضرتشان، گروه‌گروه می‌شوند؛ لذا آنان را از این پراکنده شدن نهی کرد و فرمود که: همگی باید بر ولایت آل محمد جمع شوید و متفرق نشوید» (قمی، ۱۴۰۴، ص ۱۰۸).

حاصل آنچه در بخش دوم مقاله بیان شد، این است که وحدت سرمایه اجتماعی است، مشروط به اینکه بر محور حبل الله یعنی قرآن و اهل بیت شکل گیرد. تعالیم دینی بر وحدت تأکید بسیار می‌کنند، اما وحدت جمعی در صورتی به‌عنوان سرمایه اجتماعی به اهداف خود دست می‌یابد که اجتماع دینی شکل گیرد و وحدت و توحید بر حبل المتین استوار شود و گرنه وحدت در اجتماع به‌تنهایی ارزش ندارد.

روشن است که تشکیل اجتماع و شکل‌گیری نهادهای اجتماعی به‌عنوان سرمایه‌های بشری و مدیریت این سرمایه از بحث‌های بسیار مهم روزگار ما است، اما در این مقاله حاضر از منظر

دیگری به بحث سرمایه اجتماعی توجه شده است. الگوی مفهومی این تحقیق بیشتر منطبق بر مفاهیم دینی است. شاکله الگوی مفهومی مقاله را می‌توان به شرح شکل ۱ ترسیم کرد:



شکل ۱. الگوی مفهومی تحقیق

سرمایه اجتماعی = عنایت الهی

تحلیل منطقی الگوی مفهومی تحقیق

۱. فرد در جامعه به تعادل می‌رسد و از خواست‌های فردی دست می‌کشد.
۲. جامعه نقطه اعتدال و توازن و دوری از افراط و تفریط است.
۳. وحدت نتیجه اجتماع انسان‌ها حول محورهای مشترک است.
۴. اجتماع انسان‌ها هویت و حیاتی مستقل از فرد دارد و براساس تعالیم دینی تابع سنن الهی است.
۵. جامعه با پرهیز از افراط و تفریط و دوری از تفرق البته بر محور دین مشمول سنت لطف و عنایت الهی خواهد شد.

نتیجه

نتیجه مطالعات نگارنده در این مقاله به شرح زیر بیان می‌شود:

۱. یکی از تعالیم دین اسلام و بزرگان آن این است که عنایت و توجه الهی بیشتر به جمع و

- جامعه معطوف است و افراد باید برای سعادت خود راه اجتماع و همراهی با آن را برگزینند. دست عنایت و لطف خداوند با جمع است.
۲. امام علی (ع) برای پرهیز از گرفتارشدن انسان در دو مسئله نابهنجار و دو آفت بسیار مهم دستور به همراهی انسان‌ها با جمع می‌دهد و همین دو امر مهم منشأ لطف و عنایت الهی است، یکی پرهیز از افراط و تفریط و دیگری پرهیز از تفرقه.
۳. انسان در جمع یاد می‌گیرد تعصب‌ها، افراط و تفریط‌ها را کنار بگذارد و خود را با جمع به رغم همه تفاوت‌هایش وفق دهد. اجتماع بی‌شک سرمایه فکری است، برای اینکه فرد دچار انحراف نشود. سر مسئله در این نکته نهفته است که اجتماع مانند نقطه توازن عمل می‌کند و فرد را از افراط و تفریط باز می‌دارد. مفهوم سرمایه اجتماعی ناظر به مرحله تعالی یافته اجتماع است یعنی مرحله‌ای که انسان‌ها گرد هم آمده و آن را انتخاب کرده‌اند و فرد فرد انسان‌ها اجتماع را وطن اصلی خود تلقی می‌کنند به همین دلیل، هم جلوه‌های برادری، محبت، عشق و همزیستی در اجتماع جلوه می‌کند.
۴. تجربه زیست اجتماعی بشر نیز نشان می‌دهد که اجتماع نیز ممکن است بر خطا باشد. درست است که دست خداوند و عنایت خداوند با جمع است و جمع سرمایه انسانی است، اما همان‌طور که در کلمات قصار، کلمه ۱۰۹ نهج البلاغه بیان شده است جماعت در صورتی که یک نقطه اتکای خطاناپذیر داشته باشد، اطمینان‌بخش و موجب سعادت بشر است.
۵. در تعالیم دین اسلام بر وحدت و پرهیز از تفرقه بسیار تأکید شده است. اگر نگاهی به قرآن و روایات بیندازیم، با انبوهی از آیات و روایات مواجه می‌شویم که اتحاد و شکل‌گیری اجتماع مبتنی بر توحید را نعمت و عنایت الهی تلقی کرده است. مانند آیه ۱۰۳ سوره آل عمران.
۶. عنایت خداوند شامل هر اجتماعی نمی‌شود، بلکه شامل جامعه‌ای می‌شود که بر محور ریسمان الهی یعنی بر پایه قرآن و اهل بیت شکل گرفته باشد. اجتماع به خودی خود سعادت درست و پایدار برای انسان به بار نمی‌آورد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- نهج الفصاحه (۱۳۲۴). ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- نهج البلاغه (۱۳۹۵ هـ.ق). تصحیح دکتر صبحی صالح، قم: انتشارات هجرت.
۱. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. جلد اول، تهران: بنیاد بعثت.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). تفسیر تسنیم. قم: مؤسسه اسرا.
۳. زارعی متین، حسن، محمدیان، بهزاد و مدرسی، سعید (۱۳۹۵). مدیریت سرمایه اجتماعی. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۴. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. قم: هجرت، چاپ اول.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲). المجازات النبویه. قم: دارالحديث.
۶. شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۶). ترجمه نهج البلاغه. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر نشر اسلامی.
۸. عبده، محمد (بی تا). شرح نهج البلاغه. قاهره: مطبعه الاستقامه.
۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر القمی. چاپ سوم، قم: دارالکتاب.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌المللی سازمان تبلیغات.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). جامعه و تاریخ. در مجموعه آثار. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات صدرا.
۱۲. مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۹). فی ضلال نهج البلاغه. بیروت: دارالعلم الملايين.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). پیام امام علی. قم: انتشارات مؤسسه الامام علی ابن ابی طالب.